

بررسی جریان تجارت خارجی و تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای واقع در آسیای جنوب غربی

دکتر خسرو منطقی* دکتر محمدعلی ضیغمی** بیتا نوروزی***

پذیرش: ۸۸/۱۰/۸

دریافت: ۸۷/۶/۱۰

منطقه‌گرایی / سیکل‌های تجاری / آسیای جنوب غربی

چکیده

یکی از موضوعات مهم در ادبیات اخیر مربوط به منطقه‌گرایی ارتباط جریان تجاری و تقارن سیکل‌های تجاری^۱ متقابل کشورهای عضو می باشد. در این مقاله تلاش گردید تا معناداری رابطه مذکور برحسب کشور ایران با کشورهای واقع در آسیای جنوب غربی به صورت چارچوبی نظام یافته و به روش داده های تابلویی تخمین و به ارزیابی آنها پرداخته شود. به این جهت از دو متغیر کلیدی شدت جریان تجاری و شاخص تقارن سیکل‌های تجاری متقابل بین ایران با هر یک از کشورهای مورد مطالعه در طی سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۸۰ استفاده گردیده است. شاخص شدت تجاری^۲ به عنوان یک شاخص جایگزین جهت نشان دادن سطح یکپارچگی تجاری و ضریب همبستگی بین تغییرات تولید ناخالص داخلی (بعد از روندزدایی) به عنوان یکی از معیارهای جایگزین جهت نشان دادن درجه تقارن سیکل‌های تجاری متقابل ایران با هر یک از کشورهای مورد مطالعه مد نظر قرار

* عضو هیات علمی پژوهشکده امور اقتصادی و عضو انجمن مهندسی حمل و نقل ریلی kh_manteghi@yahoo.com

** معاون بازاریابی و روابط بین الملل سازمان توسعه تجارت ایران mali_zaghami@yahoo.com

*** عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی Bnorouzi151@yahoo.com

■ دکتر محمدعلی ضیغمی، مسئول مکاتبات.

1. Synchronization of Business Cycles.
2. Trade Intensity Index.

گرفته است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که افزایش جریان تجاری ایران با کشورهای مورد مطالعه لزوماً به تقارن بیشتر سیکل‌های تجاری منجر نمی‌گردد. به این ترتیب بررسی این مساله از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که صرفنظر از جریان تجارت چه عواملی به تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای منطقه موثر است که این مساله، موضوعی برای تحقیق بعدی می‌باشد.

طبقه‌بندی JEL: F14.

مقدمه

بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله که ایران را در سال ۱۴۰۴ کشوری توسعه یافته و جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه آسیای جنوب غربی با متوسط نرخ رشد اقتصادی هشت درصد هدف گذاری کرده است بر این نکته تصریح دارد که برای رسیدن به اهداف مذکور جزء با تعامل سازنده و موثر با اقتصاد بین‌الملل قابل تحقق نمی‌باشد. در این میان موضوع قابل توجه‌ای که در خصوص حضور ایران در نظام اقتصاد بین‌الملل به ویژه با کشورهای منطقه و یا هر کشور دیگر بایستی مورد توجه قرار گیرد نحوه و چگونگی حضور بخش‌های مختلف به ویژه بخش بازرگانی خارجی در تعامل با نظام اقتصاد بین‌الملل می‌باشد. در همین حال تعامل با اقتصاد جهانی و جهانی شدن تنش‌ها و معماهایی را برای کشورهای که در اقتصاد جهانی ادغام می‌شوند، به وجود می‌آورد. یکی از این تنش‌ها با این واقعیت عجین شده است که در یک اقتصاد جهانی به هم پیوسته و وابسته به هم، هر نوع شوک جهانی یا منطقه‌ای به سرعت به سایر اقتصادها قابل تسری است. مکانیسم اشاعه در عمل می‌تواند حتی موجب کاهش رشد اقتصادی کشورها نیز گردد. البته این نوسانات از مدت‌ها پیش در کشورهای در حال توسعه وجود داشته است، اما در اواخر قرن بیستم، همراه با گسترش اتحادیه‌های اقتصادی، شدت بیشتری پیدا کرد. آگاهی از نحوه عملکرد و تاثیرپذیری از اقتصادهای دیگر علاوه بر کمک به ارائه یک چشم‌انداز صحیح از آینده، امکان برنامه‌ریزی برای مواجهه با آنها را نیز فراهم می‌نماید. در شرایطی که بخواهیم پیچیدگی و اندازه متغیر در عمق این کانال‌ها را در میان کشورهای یک منطقه به حساب آوریم ادبیات اقتصادی مربوط به تقارن سیکل‌های تجاری متقابل در ارائه رهنمودی روشن در خصوص چگونگی جابجایی و حرکت این نوع تقارن کمک زیادی خواهد نمود.

جمهوری اسلامی ایران، به لحاظ جغرافیایی در آسیای جنوب غربی که منطقه و محدوده توسعه ایران در سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ می‌باشد قرار گرفته است. در دهه اخیر، به موازات آغاز شتاب گرفتن تجارت ایران با کشورهای واقع در آسیای جنوب غربی^۱،

ظاهراً اثر روابط تجاری بر تقارن سیکل‌های تجاری از اهمیت روز افزونی برخوردار گشته است. همچنین امکان امضای موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی در میان بسیاری از کشورهای منطقه تلویحاً به معنای آن است که این روند ممکن است حتی بیش از این تشدید شود. با ایجاد همگرایی تجاری عمیق‌تر میان ایران و کشورهای واقع در آسیای جنوب غربی، انتظار می‌رود روابط نزدیکتری در سیکل‌های تجاری ایران و کشورهای منطقه به وجود آید. از یک دیدگاه نظری، اثر همگرایی تجارت بر تقارن سیکل‌های تجاری، روشن نیست، زیرا افزایش تجارت می‌تواند به سیکل‌های تجاری بینجامد که همگرا یا واگرا باشند: اگر همگرایی تجارت به عنوان بخشی از یک فرایند تخصصی منجر به افزایش تجارت بین صنعتی شود، این احتمال وجود دارد که سیکل‌ها تجاری کشورهای منطقه شباهت کمتری به هم داشته باشند، زیرا شوک‌های مختص به صنایع خاص، مسئول شکل‌دهی به سیکل‌های تجاری خواهند بود و شوک‌های خاص هر صنعت، به شیوه‌ای مشابه، بر شرکای تجاری تأثیر می‌گذارند.

بررسی همزمانی سیکل‌های تجاری ایران و کشورهای منطقه، تنها برای درک بهتر اثر شرکای تجاری مهم بر نوسانات سیکل‌های تجاری در اقتصادهای داخلی اهمیت ندارد. داشتن اطلاعات در مورد میزان تقارن سیکل‌های تجاری مهم است، زیرا اطلاعاتی را در مورد ضرورت وجود سیاست مالی و پول مستقل به دست می‌دهد. اگر سیکل‌های تجاری شبیه و شوک‌ها مشترک باشند، هماهنگی ساختن سیاست‌های کلان می‌تواند مطلوب باشد و یک پول مشترک، شکل غایی هماهنگی سیاست‌ها باشد. از سوی دیگر، اگر شوک‌ها به گونه‌ای غالب، خاص هر کشور باشند و منجر به درجه پایینی از تقارن سیکل‌های تجاری شوند، عموماً به توانایی اجرای سیاست پولی و مالی مستقل به عنوان عاملی برای کمک به تعدیل اقتصاد و رساندن آن به یک تعادل جدید نگریسته می‌شود. به طور خلاصه، کشورهایی که دارای روابط تجاری بین‌المللی تنگاتنگ و تقارن سیکل‌های تجاری هستند، احتمال بیشتری دارد که در اجرای سیاست پولی مشترک سود ببرند.

این مقاله، سه هدف عمده دارد. نخست، با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی، تلاش شده است تا درجه تقارن سیکل‌های تجاری ایران با هر یک از کشورهای مورد

مطالعه‌اندازه‌گیری و نشان داده شود. دوم، معیار شدت جریان تجارت بین ایران با کشورهای منطقه را محاسبه و رابطه آن با درجه تقارن سیکل‌های تجاری به صورت کمی اندازه‌گیری می‌شود و سوم، برخی پیشنهادات در مورد مناسب بودن هماهنگی‌های سیاست‌های پولی کلان میان ایران با کشورهای منطقه ارائه می‌دهد.

با عنایت به اهداف مقاله، سوالات اساسی مطالعه حاضر را می‌توان به شرح زیر خلاصه

کرد:

۱- آیا ایران با کشورهای مورد مطالعه دارای تقارن سیکل‌های تجاری است؟

۲- آیا رابطه معناداری بین جریان تجاری و تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای

واقع در آسیای جنوب غربی وجود دارد؟

جهت پاسخ به این سوالات، مطالعه حاضر ضمن اندازه‌گیری و تحلیل آماری جریان تجاری و تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای منطقه در طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۸۰، به بررسی رابطه مذکور از طریق مدل‌های اقتصادسنجی و به روش داده‌های تابلویی می‌پردازد. به این ترتیب در این مقاله، ضمن مروری کوتاه بر چارچوب نظری و پیشینه تحقیق در خارج و داخل کشور، به روش تحقیق که شامل نحوه محاسبه شاخص‌ها و تخمین مدل اختصاص دارد پرداخته و در نهایت به تحلیل نتایج حاصل از اندازه‌گیری و رابطه معناداری شاخص شدت تجارت و تقارن سیکل‌های تجاری متقابل ایران با کشورهای منطقه می‌پردازیم. آخرین بخش مقاله به نتیجه‌گیری و پیشنهادات اختصاص دارد.

۱. چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

با عنایت به اهمیت منطقه‌گرایی و از جمله یکپارچگی تجاری کشورها، مطالعات مختلفی در خصوص نحوه اثرگذاری منطقه‌گرایی بر تقارن سیکل‌های تجاری در کشورهای مختلف صورت پذیرفته و همچنین مطالعات زیادی نیز در این زمینه در جریان می‌باشد.^۱ از منظر سیاست‌گذاری، درک تغییرات در میزان تقارن سیکل‌های تجاری، بسیار

1. Kose, Ayhan (2004).

قابل توجه است. چنانچه سیاست‌های اقتصادی یک کشور، برخوردار از انتقال قوی تر سیکل‌های تجاری باشند، می‌توانند اثر زیادی را بر فعالیت اقتصادی در دیگر کشورها داشته باشند. به عبارت دیگر، میزان تقارن سیکل‌های تجاری، می‌تواند تبعات مهمی برای اجرای سیاست‌های اقتصادی مشترک بین‌المللی و منطقه‌ای کشورها داشته باشد.^۱ در همین ارتباط اگر عوامل منطقه‌ای، نقشی غالب در توضیح سیکل‌های تجاری داشته باشند، آنگاه سیاست‌های داخلی که ثبات نوسانات کلان اقتصادی را هدف گرفته‌اند، ممکن است اثر محدودی داشته باشند. از سویی دیگر میزان تقارن سیکل‌های تجاری در یک گروه از کشورها نیز معیار مهمی برای تعیین این مساله است که آیا اتحاد پولی در میان این کشورها مطلوب و امکان‌پذیر است یا خیر.

تئوری اقتصادی، نتیجه مشخصی را در ارتباط با اثر منطقه‌گرایی بر تقارن سیکل‌های تجاری به دست نمی‌دهد.^۲ این انتظار وجود دارد که افزایش تجارت کالاها موجب بالارفتن سرریزها هم در طرف تقاضا و هم در طرف عرضه در کشورها شود. با این حال، «کوس و یی»^۳ (۲۰۰۱) نشان داده‌اند که افزایش شدت تجارت منجر به کاهش تقارن سیکل‌های تجاری می‌شود، زیرا شوک‌های مطلوب وارد شده به تولید یک کشور، موجب گسیل سرمایه‌ها و دیگر منابع به سمت آن کشور می‌شوند. اگر شوک‌های خاص هر صنعت، نقش مهمی در پیشبرد سیکل‌های تجاری داشته باشند، افزایش تخصص درون صنعت^۴ در گستره کشورها می‌تواند هم‌حرکتی سیکل‌ها را بالا ببرد اما اگر روابط تجاری بین صنعتی^۵ فی مابین کشورها حاکم باشد، میزان هم‌حرکتی یا تقارن سیکل‌ها ممکن است کاهش یابد.

تحقیقات تجربی اخیر نشان داده است که روابط تجاری قوی‌تر، اثر مثبتی بر همبستگی‌های تولید در گستره کشورها دارند. برای مثال، «فرانکل و رز»^۶ (۱۹۹۸)،

1. Obstfeld and Rogoff (2002).

2. Brooks, Robin, Kristin Forbes, Jean Imbs, and Ashoka Mody, (2003).

3. Kose and Yi(2001).

4. Intra-industry Trade (IIT).

5. Inter-industry Trade.

6. Frankel, Jeffrey A., and Andrew K. Rose,(1998).

کلارک و ون و نیکوپ^۱ (۲۰۰۱)، «کوس و یی» (۲۰۰۲) و «ایمبس» (2004 b, 2004 a) با استناد به رگرسیون‌های پانلی کشوری و منطقه‌ای نشان داده‌اند که در میان کشورهای پیشرفته، جفت‌های کشوری که دادوستد بیشتری با یکدیگر دارند، دارای میزان بالاتری از تقارن سیکل‌های تجاری هستند.^۲

در چند مطالعه تجربی اخیر، نحوه تغییرات تقارن سیکل‌های تجاری در گستره کشورهای پیشرفته در گذر زمان بررسی شده است. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که تفاوت‌ها در پوشش کشوری، دوره‌های زمانی، نمونه‌ها، روش‌های تجمیع به کار رفته برای ایجاد گروه‌های کشوری و روش‌های اقتصادسنجانه به کار رفته می‌توانند منجر به نتایج متفاوتی در مورد تکامل دوره‌ای تقارن سیکل‌های تجاری شوند. برای مثال، برخی از این مطالعات به شواهدی دست یافته‌اند که نشان‌دهنده کاهش همبستگی‌های تولید در کشورهای پیشرفته در طی سه دهه گذشته است. «هلبلینگ و بایومی»^۳ (۲۰۰۳) دریافتند که ضرایب همبستگی میان ایالات متحده و دیگر کشورهای عضو گروه هفت در دوره ۲۰۰۱-۱۹۷۳، بسیار پایین‌تر از ضرایب مشابه در دوره ۸۹-۱۹۷۳ بود. در مقاله‌ای مرتبط، «هیتکوت و پری»^۴ (۲۰۰۳) همبستگی‌های تولید، مصرف، و سرمایه‌گذاری میان ایالات متحده و بقیه جهان-اروپا، کانادا و ژاپن-را بررسی نمودند. آنها دریافتند که همبستگی‌های متقابل میان زوج کشورها در دوره ۲۰۰۲-۱۹۸۱، کمتر از دوره ۸۱-۱۹۶۰ بوده است. با این حال، سایر مطالعات نشان می‌دهد که روابط تقارن سیکل‌های تجاری، در گذر زمان، شدت یافته است «کوس، پراساد، و ترونز»^۵ (2004, 2003b) همبستگی‌های میان نوسانات در تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری به تفکیک کشورهای عضو گروه هفت را با استفاده از داده‌های سالانه در طی دوره زمانی ۹۹-۱۹۶۰ بررسی کرده‌اند. آنها دریافتند که در مورد کشورهای پیشرفته، همبستگی‌های به طور متوسط از دهه ۷۰ (دوره شوک

1. Clark, Todd E., and Eric van Wincoop, (2001).

۲. همانطوریکه قبلاً اشاره گردید اثر توریک افزایش جریانه‌های تجاری بر همبستگی‌های تولید در گستره کشورها، بستگی به

ماهیت شوک‌ها و الگوهای تخصصی دارد

3. Helbling, Thomas, and Tamim Bayoumi (2003)

4. Heathcote, Jonathan, and Fabrizio Perri (2003)

5. Kose, M. Ayhan, Eswar S. Prasad, and Marco E. Terrones, (2003)

نفی) افزایش شدید یافته و این افزایش در دهه ۱۹۹۰ نیز بیشتر شده است. «بوردو و هلینگ»^۱ (۲۰۰۳) نیز با استفاده از یک نمونه بسیار گسترده‌تر از داده‌های سالانه (۲۰۰۱-۱۸۸۰) نشان دادند که میزان تقارن در گستره کشورهای پیشرفته، در گذر زمان، بیشتر شده است.

در یک دهه اخیر به ویژه از دهه ۹۰ به بعد مطالعات متعددی در جهت پاسخ دادن به این سوال هستند که عامل جهانی تا چه میزان در توضیح تقارن سیکل‌های تجاری در گذر زمان نقش دارد و آیا می‌تواند نشان‌دهنده درجه بالاتری از تقارن سیکل‌های تجاری فی‌مابین کشورها محسوب گردد؟ «استاک و واتسون»^۲ (۲۰۰۳) دریافتند که در برخی کشورهای گروه هفت (کانادا، ایتالیا، و ایالات متحده) اهمیت عوامل بین‌المللی در توضیح تقارن سیکل‌های تجاری در دوره ۲۰۰۲-۱۹۸۴، بیشتر از اهمیت آن در دوره ۸۳-۱۹۶۰ بوده است. «کوس، اوتروک، و واتین»^۳ (۲۰۰۴) نشان دادند که عامل جهانی، به طور میانگین، توضیح‌دهنده درصد بالاتری از تفاوت تقارن سیکل‌های تجاری در کشورهای گروه هفت در دوره جهانی‌سازی (۲۰۰۲-۱۹۶۸) در مقایسه با دوره برتون وودز (۷۲-۱۹۶۰) بوده است. در واقع، این موضوعی است که در تمام کشورها به جز آلمان و ژاپن وجود داشته است. در این دو کشور، اهمیت نسبی تحولات داخلی (اتحاد در آلمان و کاهش طولانی مدت آهنگ اقتصادی در ژاپن) اثر جهانی‌سازی روزافزون را کم کرده است.

سرانجام اینکه تحقیقات اخیر بررسی کرده‌اند که چگونه ظهور بلوک‌های تجارت منطقه‌ای بر تقارن سیکل‌های تجاری در نقاط مختلف جهان تأثیر می‌گذارد. «کالدرون»^۴ (۲۰۰۳) نشان داد که موافقتنامه‌های تجارت آزاد اثر مثبتی بر میزان تقارن سیکل‌های تجاری در گستره کشورهای عضو دارد. «کوس»^۵ (۲۰۰۴) و «کوس، مردیت، و تو»^۶

1. Bordo, Michael D., and Thomas Helbling, (2003).

2. Stock, James H., and Mark W. Watson, (2003).

3. Kose, M. Ayhan, Christopher Otrok, and Charles H. Whiteman, (2003).

4. Caldéron, César, (2003).

5. Kose, M. Ayhan, (2004).

6. Kose, M. Ayhan, Guy M. Meredith, and Christopher M. Towe, (2004).

(۲۰۰۴) دریافتند که موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی منجر به افزایش چشمگیر در میزان تقارن سیکل‌های تجاری در کانادا، مکزیک، و ایالات متحده شده است. «لامسدین و پراساد»^۱ (۲۰۰۳) نشان دادند که نوسان‌های تقارن سیکل‌های تجاری در گستره کشورهای اروپایی از ارتباط نزدیکی برخوردارند. در این ارتباط «کوس، اوتروک، و واتیمن» (۲۰۰۳) نشان دادند که گرچه تقارن سیکل‌های تجاری در کشورهای اروپایی، نشان‌دهنده هم‌حرکتی هستند، اما منشأ آن به طور مشخص اروپا نیست بلکه ممکن است ناشی از کشورهای خارج بلوک اروپایی نیز باشد. به‌طور خاص بررسی‌های ما نشان می‌دهد درباره اندازه‌گیری نقش تجارت خارجی بر تقارن سیکل‌های تجاری ایران با شرکای تجاری به ویژه در کشورهای آسیای جنوب غربی مطالعه‌ای تا کنون انجام نگرفته است ولی عمده بررسی‌ها پیرامون شناسایی علت‌ها و دلایل بروز ادوار تجاری انجام گرفته است. در این مطالعات محققان ضمن ارائه برخی نظریات و دیدگاهها درباره ادوار تجاری به بررسی علت آن بخصوص برای ایران پرداخته‌اند. در این خصوص می‌توان به مطالعات گرجی و میرسپاسی (۱۳۸۱)^۲، منجذب (۱۳۸۳)^۳ و نظیفی (۱۳۸۱)^۴ اشاره کرد. با توجه به تمامی مدل‌هایی که در این مطالعات مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته‌اند، می‌توان این جمع‌بندی را ارائه نمود که این محققان توانسته‌اند تنها قسمتی از پیدایش سیکل‌های تجاری را به‌صورت موردی و فقط برای ایران، توضیح دهند اما به موضوع تقارن سیکل‌های تجاری متقابل کشورها نپرداخته‌اند. در سال‌های اخیر دو مطالعه در ارتباط با موضوع مقاله در کشور انجام گرفته که از حیث نوع موضوع، روش‌های مورد استفاده و جامعه آماری کاملاً^۵ با مطالعه حاضر تفاوت دارد که در ادامه به تشریح آنها می‌پردازیم:

الف - مطالعه‌ای با عنوان بررسی تقارن ادوار تجاری کشورهای ایران، امارات متحده عربی، ترکیه و پاکستان با هدف تبیین ادبیات مربوط به تقارن سیکل‌های تجاری و همچنین بررسی آن در بین کشورهای مذکور بوده است که در قالب یک طرح تحقیقاتی، در

1. Lumsdaine, Robin L., and Eswar S. Prasad, (2003).

۲. گرجی، ابراهیم و میرسپاسی، آرزو (۱۳۸۱).

۳. منجذب محمدرضا (۱۳۸۳).

۴. نظیفی، فاطمه (۱۳۸۱).

پژوهشکده امور اقتصادی انجام گردید^۱. این مطالعه با استفاده از اطلاعات سری زمانی تولید ناخالص داخلی کشورهای مورد بررسی در طی سال‌های ۱۹۷۴-۲۰۰۲ و با استفاده از یکسری معادلات خود رگرسیون برداری انجام گردید.

نتایج این بررسی نشان می‌دهد همبستگی بین ادوار تجاری کشورهای ایران و ترکیه، ایران و پاکستان وجود دارد اما میزان این همبستگی بین ادوار تجاری ایران و ترکیه بیش از ایران و پاکستان است. بین ادوار تجاری پاکستان و ترکیه نامتقارن وجود دارد. بخش دیگری از نتایج مدل‌های این تحقیق نشان داد که تأثیر گذاری تولید ناخالص داخلی کشور امارات بر نوسانات سیکل تجاری تولید ناخالص داخلی کشورهای ایران، ترکیه و پاکستان وجود نداشته و یا ناچیز بوده است. گرچه نوسانات سیکل تجاری کشورهای ایران و ترکیه بر نوسانات سیکل تجاری کشور امارات متحده عربی تأثیر داشته و این تأثیر گذاری در مورد کشور ایران بیشتر و قابل توجه‌تر نسبت به کشور ترکیه است.

ب- در سال ۱۳۸۸، پژوهشی^۲ با عنوان رابطه یکپارچگی تجارت خارجی و همزمانی سیکل‌های تجاری، ارزیابی پتانسیل‌های ایجاد اتحادیه‌های پولی مابین کشورهای اسلامی با هدف تبیین پایه‌های نظری تشکیل اتحادیه پولی و تعیین کمی عوامل بوجود آورنده هم‌زمانی سیکل‌های تجاری در کشورهای اسلامی انجام گردید.

این پژوهش که برای اولین بار در کشور انجام گردید برای شناسایی و بررسی عوامل تعیین‌کننده همزمانی سیکل‌های تجاری متقابل مجموع ۵۶ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی که اطلاعات تجاری و شاخص‌های اقتصادی آنها قابل دسترس بوده مورد توجه قرار گرفته‌اند. مشاهدات آماری (شامل متغیرهای وابسته و مستقل) بر حسب دو مقطع زمانی ۱۹۸۰-۱۹۸۹ و ۱۹۹۰-۲۰۰۵ جمع‌آوری و مورد پردازش قرار گرفته است. نتایج بدست آمده از تخمین مدل‌های تقارن سیکل‌های تجاری فی مابین کشورها نشان می‌دهد پدیده تقارن سیکل‌های تجاری متقابل کشورهای عضو OIC متأثر از یکپارچگی تجاری، تشابه سیاست‌های مالی و تشابه ساختار اقتصادی فی مابین کشورها می‌باشد.

۱. شایگان، بیتا (۱۳۸۵).

۲. کریمی، فرزاد (۱۳۸۷).

۲. روش تحقیق

در این پژوهش، با الهام از مطالعه فرانکل و روز، از دو متغیر کلیدی شدت جریان تجاری و شاخص تقارن سیکل‌های تجاری متقابل بین ایران با هر یک از کشورهای مورد مطالعه استفاده می‌گردد. در این ارتباط از دو شاخص ترکیبی بعنوان معیارهای جایگزین جهت نشان دادن سطح یکپارچگی تجاری ایران با کشورهای مورد مطالعه (i) استفاده می‌گردد که با استفاده از رابطه ریاضی ذیل محاسبه می‌گردند^۱.

$$IM_{ji} = \frac{M_{ji}/X_i}{M_j/X_w} * 100 \quad (۱)$$

$$SM_{ji} = \frac{M_{ji}}{M_j + M_i} \quad (۲)$$

در فرمول بالا:

M_{ji} نمایانگر کل واردات اسمی ایران (j) از کشور i، $M_{j,i}$ نمایانگر کل واردات ایران، X_i کل ارزش صادرات کشور i به جهان و X_w ارزش کل صادرات جهانی است. مقدار بالاتر نشان‌دهنده افزایش شدت تجارت میان ایران و کشورهای منطقه است. داده‌های مربوط به حجم تجارت بین ایران با کشورهای مورد مطالعه از کتاب صندوق بین‌المللی پول (IMF) و در طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۵ جمع‌آوری گردیده است.

تقارن سیکل‌های تجاری بصورت محاسبه ضریب همبستگی تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت ۲۰۰۰) ایران و کشورهای مورد مطالعه در فاصله زمانی t و به پیروی از روش فرانکل و روز (۱۹۹۸) به روش ذیل تخمین زده می‌شود.

$$\text{corr}(y_i^m, y_j^m) = \frac{\text{cor}(y_i^m, y_j^m)}{\sqrt{\text{var}(y_i^m) \text{var}(y_j^m)}}$$

میزان تولید ناخالص داخلی (y) سالانه بوده و برحسب ارزش دلار محاسبه شده است. در راستای جدا کردن جزء تناوبی، لگاریتم y واقعی بر اساس فیلتر هودریک-

۱. برای اطلاعات بیشتر می‌توان به مطالعات فرانکل و روز (۱۹۹۸)، کالدورن و دیگران (۲۰۰۳) و چوین و وانگ (۲۰۰۳) رجوع کرد.

پرسکات^۱ (HP) روندزدایی گردیده است. در این رابطه نماد i ایران و نماد j کشورهای مورد مطالعه می‌باشد و ym لگاریتم تولید ناخالص داخلی که قبلاً به روش پرسکات روندزدایی شده در محاسبه شاخص تقارن لحاظ گردید. نمونه‌های آماری جهت محاسبات اقتصادسنجی و تحلیل توصیفی شاخص‌های پیشگفته در طی مقطع‌های زمانی ۱۹۸۰-۱۹۸۴، ۱۹۸۵-۱۹۸۹، ۱۹۹۰-۱۹۹۴، ۱۹۹۵-۲۰۰۰، ۱۹۹۹-۲۰۰۵ انجام گردیده است. بر اساس متغیرهای توضیحی مناسب (از لحاظ خطای اندازه‌گیری، ثوری و اقتصادسنجی) شکل کلی رابطه یکپارچگی تجاری و تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای مورد بررسی مورد تصریح قرار گرفته است. در این پژوهش به منظور آزمون رابطه بین یکپارچگی تجاری و تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای مورد مطالعه از روش اقتصادسنجی به شیوه داده‌های تابلویی یا پانل دیتا^۲ استفاده می‌شود. از ویژگی‌های بارز این نوع روش‌ها استفاده همزمان داده‌های سری زمانی^۳ و داده‌های مقطعی^۴ است. در این پژوهش به چند دلیل از این روش استفاده می‌گردد:

۱- استفاده از این روش باعث می‌شود تعداد مشاهدات آماری بیشتری در اختیارمان قرار گیرد و درجه آزادی آن نیز افزایش یابد که بدون شک کارایی تخمین را افزایش خواهد داد.^۵

۲- به ما این امکان را می‌دهد تا ارتباط میان متغیرهای مورد بررسی و حتی کشورهای مورد بررسی را در طول زمان در نظر گرفته و به بررسی آنها پرداخت.

۳- توانایی این روش در کنترل اثرات انفرادی مربوط به کشورها (به عنوان واحدهای مقطعی) است که قابل مشاهده و اندازه‌گیری نمی‌باشند

در الگوهایی که به صورت تلفیقی تصریح نشده‌اند، ضرایب الگو باید به گونه‌ای تخمین زده شوند که جمله اختلال هر دوره زمانی، با متغیرهای توضیحی همان دوره زمانی غیر هم بسته باشند. در اینجا علاوه بر ساختار مقطعی - سری زمانی پژوهش، دلیل اصلی

1. Hodrick, R.j. and Prescott, EC (1997).

2. Panel Data.

3. Time Series.

4. Cross Section.

بهره‌گیری از مدل مبنی بر داده‌های تلفیقی در واقع رفع مسئله مربوط به اثرات غیر مشاهده^۱ در مدل است.^۲

مدل پانل برای برآورد ضریب متغیر تجارت خارجی به شکل زیر مد نظر قرار گرفته است:

$$COR_{PT} = \alpha + X_{PT} \beta + \varepsilon_{PT}$$

COR_{PT} بردار شاخص تقارن سیکل‌های تجاری برای زوج کشور p در زمان t

X_{pt} مشاهده pt ام مربوط به متغیر توضیحی تجارت خارجی

ε_{PT} بردار اجزاء اخلاص مدل

α بردار پارامتر ثابت

β بردار ضرایب متغیرهای توضیحی

البته در این پژوهش از دو شاخص یکپارچگی تجاری شامل شاخص شدت وارداتی و شاخص سهم از کل واردات بصورت لگاریتم و بدون لگاریتم هر یک از شاخص‌ها استفاده شده است.

جهت تبیین جزء اخلاص مدل از راه کار جزء خطای یکطرفه^۳ استفاده شده است. به عبارت دیگر:

$$\varepsilon_{pt} = \lambda_t + V_{pt}$$

λ_t بردار اثرات خاص زمانی غیر قابل مشاهده با بعد $T \times 1$

V_{pt} بردار انحرافات باقیمانده با بعد $NT \times 1$

λ_t هر گونه اثر خاص زمانی که در رگرسیون منظور نشده را در بر می‌گیرد (نظیر بحران‌ها و شوک‌های اقتصادی). V_{pt} نیز بردار انحرافات معمولی رگرسیون است.

1. Unobserved Effect.

۲. هادیان، ابراهیم، عظیمی حسینی، آبتا (۱۳۸۳)

3. One-way Error Component.

در این پژوهش از آزمون‌های معناداری کلی رگرسیون (آزمون F مرسوم)، معناداری تک تک ضرایب برآورد شده (آزمون t مرسوم) استفاده می‌گردد. همچنین جهت فائق آمدن بر واریانس ناهمسانی احتمالی، از خطاهای استاندارد ضرایب سازگار با واریانس ناهمسانی^۱ استفاده می‌گردد. جهت آزمون نوع ادغام، فرضیه صفر مبنی بر ثبات ضرایب برآورد شده، آماره F استخراج و استفاده می‌شود که در واقع آزمون تعمیم‌یافته چاو می‌باشد.

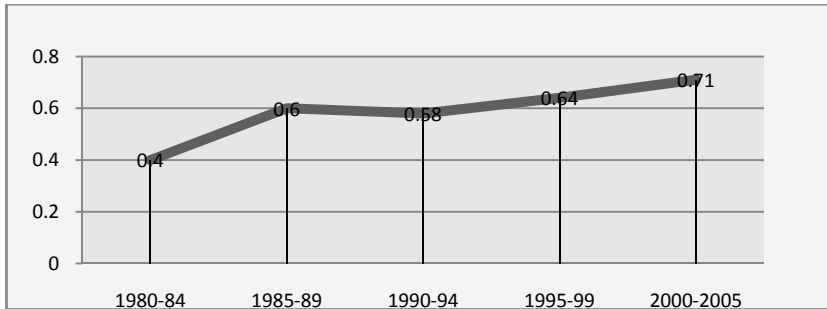
روش داده‌های تابلویی مشتمل بر سه نوع تخمین یعنی تخمین‌های بین گروه^۲، تخمین‌های درون گروه (اثرات ثابت FE)^۳ و تخمین‌های اثرات تصادفی RE^۴ است. در تخمین‌های بین گروه رگرسیون روی میانگین‌ها است و معمولاً برای تخمین ضرایب بلندمدت از این روش استفاده می‌شود. در تخمین‌های درون گروه (FE) بعد زمان در نظر گرفته نمی‌شود و تنها اثراتی که مختص هر یک از کشورها است، به عنوان اثرات انفرادی منظور می‌گردد که در این پژوهش برای انجام این آزمون (در صورت ادغام میان زمان‌ها) از آماره F استفاده می‌گردد.

بررسی شدت جریان تجاری و تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای واقع در آسیای جنوب غربی

در این قسمت به بررسی تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای مورد بررسی پرداخته می‌شود. تعداد کشورهای مورد بررسی شامل ۱۶ کشور می‌باشد. به جهت عدم دسترسی به آمار تولید ناخالص تعداد شش کشور، این دسته از کشورها در محاسبات مربوط به تخمین شاخص تقارن لحاظ نگردیده‌اند. نمودار (۱)، روند متوسط شاخص تقارن سیکل‌های تجاری ایران را با مجموع کشورهای مورد مطالعه در طی مقطع‌های مختلف زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۵ ارائه می‌کند. بر اساس این نمودار، تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای مورد بررسی در مجموع به صورت یک روند افزایشی می‌باشد. در مقطع زمانی

1. Heteroskedasticity-Consistent Standard Errors.
 2. Between Groups.
 3. Within Groups (fixed effects).
 4. Random Effects.

۱۹۸۰-۸۴، متوسط شاخص ۰/۴ بوده که در مقطع زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۵ به ۰/۷۱ افزایش یافته است. به این ترتیب نتایج مذکور نشان می‌دهد نه تنها ایران با کشورهای مذکور در مجموع دارای تقارن سیکل‌های تجاری است بلکه میزان تقارن در طی چند سال اخیر از یک روند افزایشی نیز برخوردار بوده است.



نمودار ۱- روند متوسط شاخص تقارن سیکل‌های تجاری متقابل ایران با کشورهای مورد مطالعه

جدول (۱)، وجود یا عدم وجود تقارن سیکل‌های تجاری ایران را با هر یک از کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد. همانطوریکه قبلاً به آن اشاره گردید زمانی که شاخص تقارن بزرگتر از صفر باشد به معنای وجود تقارن و در صورتیکه شاخص مذکور کوچکتر از صفر باشد به معنای عدم وجود تقارن تعریف می‌شود. براساس مشاهدات جدول (۱) ایران با اغلب کشورهای مورد مطالعه دارای تقارن سیکل‌های تجاری در طی مقطع زمانی ۱۹۸۰-۸۴ و ۲۰۰۰-۲۰۰۵ می‌باشد. در مقطع زمانی ۱۹۸۴-۱۹۸۰، ایران از میان یازده کشور مورد بررسی به جز با امارات متحده عربی، کویت و افغانستان با سایر کشورها دارای تقارن سیکل‌های تجاری می‌باشد. این درحالی است که در مقطع زمانی مذکور ایران با دو شریک مهم تجاری خود که دارای شدت وارداتی بالایی نیز می‌باشند دارای عدم تقارن سیکل‌های تجاری است. بر اساس این جدول، ایران با کشورهای بحرین، اردن، عمان، پاکستان، عربستان، سوریه و ترکیه در مقطع زمانی ۱۹۸۴-۱۹۸۰ دارای تقارن سیکل‌های تجاری می‌باشد.

با توجه به بررسی تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای مورد بررسی در مقطع زمانی ۲۰۰۵-۲۰۰۰ مشخص گردید که از میان ۱۳ کشور مورد بررسی، ایران تنها با تعداد دو کشور شامل کویت و امارات متحده عربی دارای عدم تقارن سیکل‌های تجاری می‌باشد و با سایر کشورها دارای تقارن سیکل‌های تجاری می‌باشد. در این خصوص می‌توان به کشورهای بحرین، اردن، قزاقستان، قرقیزستان، عمان، پاکستان، عربستان، سوریه، تاجیکستان، ترکیه و ازبکستان اشاره نمود. نکته جالب توجه این است که ایران با مهمترین شریک تجاری خود نظیر امارات متحده عربی دارای عدم تقارن سیکل‌های تجاری می‌باشد در حالی که ایران دارای بالاترین شدت وارداتی کالا با این کشور می‌باشد.

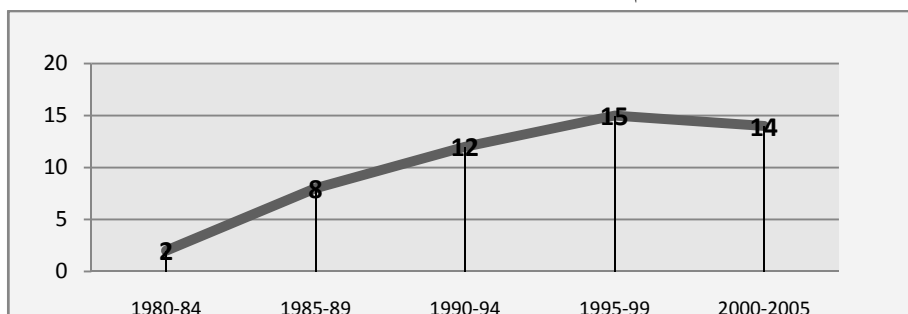
جدول ۲- وضعیت تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای مورد مطالعه

دوره زمانی		کشور
۲۰۰۰-۲۰۰۵	۱۹۸۰-۸۴	
-	-۰/۶۸۶	افغانستان
-	-	آذربایجان
۰/۹۵۸۵	۰/۷۴۲	بحرین
-	-	عراق
۰/۸۶۱	۰/۷۴۲	اردن
۰/۸۹۱	-	قزاقستان
-۰/۱۹۱	-۰/۴۱۴	کویت
۰/۸۸۹	-	قرقیزستان
-	-	لبنان
۰/۷۹۲	۰/۷۹۱	عمان
۰/۸۹۳	۰/۸۱۲	پاکستان
-	-	قطر
۰/۸۶۴	۰/۸۲۴	عربستان
۰/۸۲۴	۰/۶۹۱	سوریه
۰/۸۷۶	-	تاجیکستان
۰/۹۲۱	۰/۸۹۱	ترکیه
-	-	ترکمنستان
-۰/۲۱۱	-۰/۴۱۲	امارات متحده عربی
۰/۸۶۹	-	ازبکستان
-	-	یمن
۰/۷۱	۰/۴	متوسط

ماخذ: یافته‌های تحقیق

متغیر دیگر مورد بررسی شدت جریان تجاری ایران با کشورهای مورد بررسی است. در این مطالعه از تمامی ۲۱ کشور طرف تجاری ایران که برای آنها آمار و اطلاعات موجود بوده، جهت برآورد میزان شدت جریان وارداتی متقابل ایران استفاده شده است. دوره زمانی مورد بررسی نیز از سال ۱۹۸۰ تا آخرین سالی که آمار و اطلاعات موجود است یعنی سال ۲۰۰۵ میلادی، می‌باشد. که محاسبات ابتدا بر حسب هر یک از سال‌های دوره مذکور انجام گرفته و سپس متوسط دوره پنج ساله ملاک ارزیابی قرار گرفته است.

نتایج مورد بررسی گویای افزایش شدت وارداتی ایران در تجارت با کشورهای مورد بررسی است که به‌طور ضمنی نشان دهنده شدت و عمق واردات ایران در تجارت با کشورهای مورد مطالعه است. نمودار (۲) روند شاخص شدت، وارداتی ایران را در تجارت با مجموع کشورهای مورد مطالعه را در طی سال‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد. براساس نمودار مذکور، متوسط شاخص شدت وارداتی ایران در مقطع زمانی ۱۹۸۰-۱۹۸۴، از ۲ به ۱۴ واحد در طی زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۵، افزایش یافته است. البته در طی سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۹۹ به ۱۵ درصد هم افزایش داشته است.



نمودار ۲- روند متوسط شاخص شدت تجاری متقابل ایران با کشورهای مورد مطالعه

با بررسی نمودار (۲)، اولاً متوسط شاخص شدت وارداتی ایران در تجارت با کشورهای مورد مطالعه بیش از یک می‌باشد و ثانیاً روند آن در دوره مورد اشاره دارای روند صعودی می‌باشد. این روند نشانگر تغییر الگوی تجارت خارجی کشور به نفع کشورهای مذکور می‌باشد.

تخمین مدل و تحلیل نتایج

این بخش به بررسی رابطه یکپارچگی تجاری و تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای واقع در آسیای جنوب غربی می‌پردازد. برای این منظور، از مشاهدات ادغام شده شاخص‌های یکپارچگی تجاری و شاخص تقارن سیکل‌های تجاری متقابل ایران در پنج مقطع زمانی در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۵ استفاده می‌شود. برآوردهای مذکور به تفکیک انواع شاخص یکپارچگی تجاری بر حسب لگاریتم و بدون لگاریتم شاخص‌های مذکور صورت گرفته است. در رابطه با مشاهدات ادغام شده، دو نمونه از شاخص یکپارچگی متقابل ایران با کشورهای مورد بررسی محاسبه شده و به عنوان متغیر مستقل در مدل‌های پانل مورد استفاده قرار گرفته است. البته معادلات رگرسیونی زیادی بر اساس آزمون‌های اقتصادسنجی مورد ارزیابی قرار گرفته و تنها مناسب‌ترین آنها انتخاب و ارائه شده است. در ادامه، نتایج به دست آمده از تخمین مدل‌ها به تفکیک متغیرهای یکپارچگی تجاری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

جدول شماره (۲) نتایج برآورد تعداد چهار معادله مربوط به رابطه یکپارچگی تجاری و تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای مورد مطالعه را ارائه می‌کند. تعداد دو معادله به صورت لگاریتم شاخص‌های یکپارچگی تجاری (شاخص شدت وارداتی و شاخص سهم از کل واردات) می‌باشد و تعداد دو معادله دیگر بر اساس سطح شاخص‌های یکپارچگی (بدون لگاریتم شاخص‌های مذکور) است. از سویی دیگر هر یک از معادلات بر مبنای اثرات ثابت و بدون اثرات ثابت تخمین زده شده‌اند.

بر اساس این جدول، معادله تقارن سیکل‌های تجاری برآورد شده بر اساس لگاریتم شاخص شدت وارداتی (نشان دهنده تغییرات شاخص) به دو صورت اثرات ثابت و بدون اثرات ثابت تخمین زده شده است. آزمون صحت ادغام و آزمون نوع ادغام (FE)، برای مدل منتخب انجام شده است. با توجه به جدول مذکور، فرضیه صفر (H_0) آزمون صحت ادغام مبنی بر درستی ادغام روی دوره زمانی مورد بررسی برای معادله منتخب مورد تایید آماری قرار گرفته است. ولی بر اساس آماره F_0 آزمون اثرات ثابت (FE)، فرضیه صفر (H_0) مبنی بر صفر بودن همزمان متغیرهای دامی خاص زمان (λ_t) مورد تایید قرار نگرفته

است. اگرچه آماره F استودنت مدل با اثرات ثابت دارای معناداری کلی در سطح یک درصد می‌باشد ولی، ضریب متغیر تغییرات شدت وارداتی دارای معناداری مناسب (در سطح معناداری ۵ درصد) نمی‌باشد گرچه دارای علامت مورد انتظار مثبت می‌باشد. ضریب مذکور حدود ۰/۰۰۰۵ می‌باشد که رقم بسیار پایین و در حد صفر می‌باشد. بر اساس آزمون والد، فرضیه صفر بودن ضریب مذکور در سطح پنج درصد مورد تائید آماری قرار گرفته است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد اهمیت تغییرات شدت وارداتی ایران در شکل‌گیری و گسترش تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای مورد بررسی مورد تایید آماری قوی قرار نمی‌گیرد.

بر اساس جدول (۲)، معادله تقارن سیکل‌های تجاری بر اساس شاخص شدت وارداتی (نشان‌دهنده سطح) به دو صورت اثرات ثابت و بدون اثرات ثابت تخمین زده شده است. آزمون صحت ادغام و آزمون نوع ادغام (FE)، برای مدل منتخب انجام شده است. با توجه به جدول مذکور، فرضیه صفر (H_0) آزمون صحت ادغام مبنی بر درستی ادغام روی دوره زمانی مورد بررسی برای معادله منتخب مورد تایید آماری قرار گرفته است. ولی بر اساس آماره F_0 آزمون اثرات ثابت (FE)، فرضیه صفر (H_0) مبنی بر صفر بودن همزمان متغیرهای دامی خاص زمان (۱۹۸۱ها) مورد تایید قرار نگرفته است. اگرچه آماره F استودنت مدل با اثرات ثابت دارای معناداری کلی در سطح یک درصد می‌باشد ولی ضریب متغیر سطح شدت وارداتی دارای معناداری مناسب (در سطح معناداری پنج درصد) نمی‌باشد که نتیجه به دست آمده در ارتباط با معناداری ضریب برآورد شده بر اساس آزمون t مرسوم، برقرار نمی‌باشد ضمن اینکه دارای علامت مورد انتظار مثبت می‌باشد. ضریب مذکور حدود ۰/۰۰۱۳ می‌باشد که رقم بسیار پایین و در حد صفر را نشان می‌دهد. بر اساس آزمون والد، فرضیه صفر بودن ضریب مذکور در سطح پنج درصد مورد تائید آماری قرار گرفته است. به این ترتیب، نتایج نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین بالابودن شدت وارداتی با تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای مورد مطالعه وجود ندارد. بر اساس جدول (۲)، معادله تقارن سیکل‌های تجاری برآورد شده بر اساس لگاریتم شاخص سهم وارداتی (نشان‌دهنده تغییرات شاخص) به دو صورت اثرات ثابت و بدون اثرات ثابت تخمین زده شده است.

آزمون صحت ادغام و آزمون نوع ادغام (FE)، برای مدل منتخب انجام شده است. با توجه به جدول مذکور، فرضیه صفر (H_0) آزمون صحت ادغام مبنی بر درستی ادغام روی دوره زمانی مورد بررسی برای معادله منتخب مورد تایید آماری قرار گرفته است. ولی بر اساس آماره F_0 آزمون اثرات ثابت (FE)، فرضیه صفر (H_0) مبنی بر صفر بودن همزمان متغیرهای دامی خاص زمان (ها) مورد تایید قرار نگرفته است. اگرچه آماره F استودنت مدل با اثرات ثابت دارای معناداری کلی در سطح یک درصد می باشد ولی، ضریب متغیر تغییرات سهم وارداتی دارای معناداری مناسب (در سطح معناداری ۵ درصد) نمی باشد گرچه دارای علامت مورد انتظار مثبت می باشد. ضریب مذکور حدود ۰/۰۰۴۰ می باشد که رقم بسیار پایین و در حد صفر می باشد. بر اساس آزمون والد، فرضیه صفر بودن ضریب مذکور در سطح پنج درصد مورد تایید آماری قرار گرفته است. به این ترتیب، به نظر می رسد اهمیت تغییرات سهم وارداتی کشورهای مورد بررسی در کل واردات ایران در شکل گیری و گسترش تقارن سیکل های تجاری ایران با کشورهای مورد بررسی مورد تایید آماری قوی قرار ندارد

همچنین بر اساس جدول (۲)، معادله تقارن سیکل های تجاری بر اساس شاخص سهم وارداتی (نشان دهنده سطح) به دو صورت اثرات ثابت و بدون اثرات ثابت تخمین زده شده است. آزمون صحت ادغام و آزمون نوع ادغام (FE)، برای مدل منتخب انجام شده است. فرضیه صفر (H_0) آزمون صحت ادغام مبنی بر درستی ادغام روی دوره زمانی مورد بررسی برای معادله منتخب مورد تایید آماری قرار گرفته است. ولی بر اساس آماره F_0 آزمون اثرات ثابت (FE)، فرضیه صفر (H_0) مبنی بر صفر بودن همزمان متغیرهای دامی خاص زمان (ها) مورد تایید قرار نگرفته است. اگرچه آماره F استودنت مدل با اثرات ثابت دارای معناداری کلی در سطح یک درصد می باشد ولی ضریب متغیر سطح شاخص سهم وارداتی دارای معناداری مناسب (در سطح معناداری پنج درصد) نمی باشد که نتیجه به دست آمده در ارتباط با معناداری ضریب برآورد شده بر اساس آزمون t مرسوم، برقرار نمی باشد ضمن اینکه دارای علامت مورد انتظار مثبت می باشد. ضریب مذکور حدود ۲/۵ می باشد که در مقایسه با شاخص شدت وارداتی رقم بسیار بالایی را نشان می دهد. بر اساس

آزمون والد، فرضیه صفر بودن ضریب مذکور در سطح پنج درصد مورد تأیید آماری قرار گرفته است. به این ترتیب، نتایج نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین بالابودن شاخص سهم وارداتی با تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای مورد مطالعه وجود ندارد. با توجه به مدل اثرات ثابت در بررسی ضرایب به دست آمده در کلیه مدل‌های پیش گفته مویده آن است که با توجه به تفاوت‌ها و دگرگونی‌های ساختاری ایران با کشورهای مورد مطالعه و وجود اثرات متفاوت در انتقال شوک‌ها، اختلاف بین عرض از مبدا بر حسب کشورها زیاد می‌باشد.

در مجموع نتایج مورد بررسی نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین شدت جریان تجاری با تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای واقع در آسیای جنوب غربی وجود ندارد به عبارت دیگر تجارت خارجی ایران با کشورهای مورد مطالعه به عنوان منبع انتقال سیکل‌های تجاری به حساب نمی‌آید.

جدول ۳- نتایج حاصل از تخمین مدل تأثیر یکپارچگی تجاری ایران بر همزمانی سیکل‌های تجاری در تجارت با کشورهای واقع در آسیای جنوب غربی

بدون لگاریتم متغیر توضیحی				لگاریتم متغیر توضیحی				
مدل بدون اثر ثابت		مدل با اثر ثابت		مدل بدون اثر ثابت		مدل با اثر ثابت		
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	
۷/۲۷۲۹۳	۰/۷۳	-	-	۴/۷۹۵۲۲	۰/۵۵۱	-	-	عرض از مبدا
-۶/۱۹۲۲	۰	۱/۶۶۹۳	۰	-۱/۷۷۲۳	-۰/۰۵	۰/۷۰۷۷۷	۰/۰۰۰۵	متغیر شدت وارداتی (X5)
۱۸/۲		۱۳۴/۱		۳/۳		۸۶۸		آماره F
۰/۲۵۹۴۴۴		۰/۹۹۷۹۲۶		۰/۰۵۹۳۳۹		۰/۹۹۶۸۰۱		ضریب تعیین (R-squared)
۰/۲۴۵۲۰۲		۰/۹۹۷۱۸۱		۰/۰۴۱۲۵		۰/۹۹۵۶۵۲		ضریب تعیین تعدیل شده
۰/۳۶۵		-		۰/۳۱۱		-		آزمون درستی ادغام
۳/۸		-		۳/۲		-		آزمون نوع ادغام (FE)
۳۸/۳		۲/۸		۳/۱		۰/۳۷		F استیودنت آزمون والد
۵۴		۵۴		۵۴		۵۴		تعداد مشاهدات
۷/۰۸۶۸۸	۰/۷۶	-	-	۰/۱۳۶۷۴	۰/۰۶۲	-	-	عرض از مبدا

بدون لگاریتم متغیر توضیحی				لگاریتم متغیر توضیحی				
مدل بدون اثر ثابت		مدل با اثر ثابت		مدل بدون اثر ثابت		مدل با اثر ثابت		
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	
-۲/۸۰۵	-۱۸	۱/۵۸۳۳	۲/۴۹	-۱/۱۶۵۵	-۰/۰۸	۱/۰۱۸۶۵	۰/۰۰۴	متغیر سهم وارداتی (X4)
۹/۰۶۱۱۸۷		۱۱۹۸/۸۳۱		۱/۸۱۱۵۷		۷۴۵/۱۴۲۱		آماره F
۰/۱۴۸۳۹۵		۰/۹۹۷۶۸۲		۰/۰۳۷۱۱۴		۰/۹۹۶۷۵۱		ضریب تعیین R- (squared)
۰/۱۳۲۰۱۸		۰/۹۹۶۸۴۹		۰/۰۱۶۶۲۷		۰/۹۹۵۴۱۴		ضریب تعیین تعدیل شده
۰/۴۱۲۳		-		۰/۳۸۹		-		آزمون درستی ادغام
۴/۲۳۵۱		-		۳/۹۵۱		-		آزمون نوع ادغام (FE)
۷/۸۷		۲/۵۱		۱/۳۵		۱/۰۴		F استیودنت آزمون والد
۵۴		۵۴		۴۹		۴۹		تعداد مشاهدات

ماخذ: یافته‌های حاصل از تخمین مدل (ضمیمه مقاله)

نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اگرچه در طی چند دهه اخیر شدت جریان تجاری ایران با کشورهای واقع در آسیای جنوب غربی افزایش یافته است و با اقتصاد برخی از کشورهای منطقه نظیر امارات متحده عربی، ترکیه و پاکستان به گونه‌ای فزاینده یکپارچه شده است ولی نتایج این مطالعه نشان می‌دهد تجارت خارجی تنها کانال مهمی به شمار نمی‌رود به طوری که از طریق آن، سیکل‌های تجاری ایران با دیگر اقتصادهای واقع در آسیای جنوب غربی هماهنگ شود. لذا افزایش تجارت فی‌نفسه لزوماً به تقارن بیشتر سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای مورد مطالعه نمی‌انجامد. همان طوری که قبلاً اشاره گردید نتیجه کاربردی این یافته مرتبط با امکان سنجی ایجاد یک سیاست پولی مشترک یا پول مشترک بین ایران با کشورهای منطقه است. در متون مربوط به اتحادیه پولی استدلال شده است که تشکیل یک اتحاد پولی می‌تواند به صورت بالقوه میان کشورهای یک منطقه توجیه داشته باشد زیرا اتحادیه‌های پولی، به صورت درونزا تجارت را بیشتر می‌کنند. برای اینکه این استدلال معتبر باشد، یک پیش شرط مهم آن است که افزایش تجارت باید موجب تقارن

بیشتر سیکل‌های تجاری متقابل کشورهای عضو منطقه شود. یافته ما نشان می‌دهد که این امر در مورد اقتصاد ایران صدق نمی‌کند. در ایران، تقارن سیکل‌های تجاری متقابل با کشورهای منطقه متأثر از سایر عوامل به جز کانال تجارت می‌باشد. به این ترتیب ملاحظه می‌شود اگرچه موضوع درونزا بودن تجارت بطریقی ماهوی‌تر از مطالعات پیشین مورد واکاوی قرار گرفته است ولی واقعیت‌های موجود در منطقه مورد مطالعه آن است که کشورهایی با روابط عمیق تجاری در منطقه نظیر کشورهای حوزه خلیج فارس گرایش بیشتری دارند تا پولهای خود را، چه به صورت صریح یا تلویحا، به یکدیگر مرتبط سازند. این واقعیت بر این امر دلالت دارد که این کشورها نیازمند آن هستند که سیاست‌های پولی (و البته سایر سیاست‌ها نیز) مشابه با یکدیگر داشته باشند که این امر ممکن است سیکل‌های تجاری آنها را با یکدیگر متقارن نماید. از اینرو تنها تجارت نیست که باعث می‌گردد سیکل‌های تجاری با یکدیگر همبستگی پیدا کنند بلکه تشابه سیاست‌های اقتصادی نیز در این امر دخیل می‌باشند. به این ترتیب بررسی این مساله از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که صرفنظر از جریان تجارت چه عواملی به تقارن سیکل‌های تجاری ایران با کشورهای منطقه موثر است که این مساله، موضوعی برای تحقیق بعدی خواهد بود.

منابع

حسن پور، یوسف (۱۳۸۷)؛ تخمین و تحلیل تجارت مکملی ایران با کشورهای واقع در منطقه آسیای جنوب غربی، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

گرچی، ابراهیم و آرزو میرسپاسی، (۱۳۸۱)؛ بررسی تئوریک سیکل‌های تجاری و علل پیدایش آن در اقتصاد ایران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

منجذب محمدرضا، (۱۳۸۳)؛ "تحلیل نوسان‌ها در اقتصاد ایران بر مبنای ادوار تجاری و چگونگی مدیریت آن"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال دوازدهم شماره ۳۰.

نظیفی، فاطمه (۱۳۸۱)؛ "آیا چرخه‌های اقتصادی در ایران متقارند؟"، فصلنامه پژوهشکده امور اقتصادی، شماره سوم پاییز ۱۳۸۱

شایگان، بیتا (۱۳۸۵)؛ بررسی تقارن ادوار تجاری کشورهای ایران، امارات متحده عربی، ترکیه و پاکستان، پژوهشکده امور اقتصادی.

کریمی، فرزاد، (۱۳۸۷)؛ رابطه یکپارچگی تجارت خارجی و همزمانی سیکل‌های تجاری: ارزیابی پتانسیل‌های ایجاد اتحادیه‌های پولی مابین کشورهای اسلامی، دانشگاه اصفهان، پایان نامه مقطع دکترا.

محمد زاده اصل، نازی (۱۳۸۳)؛ "آزمون نظریه رشد نئو کلاسیک"، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۴.

هادیان، ابراهیم، آیتا عظیمی حسینی، (۱۳۸۳)؛ "محاسبه کارایی نظام بانکی در ایران با استفاده از روش تحلیل فراگیر داده‌ها"، فصلنامه پژوهش اقتصادی ایران، شماره ۲۰.

راسخی، سعید (۱۳۸۵)؛ میزان و عوامل تعیین کننده تجارت درون صنعت در کشورهای در حال توسعه منتخب، دانشگاه علامه طباطبایی، پایان نامه مقطع دکترا.

Bordo, Michael D., and Thomas Helbling, (2003); "Have National Business Cycles Become More Synchronized?" NBER Working Paper No. 10130.

Brooks, Robin, Kristin Forbes, Jean Imbs, and Ashoka Mody, (2003);

- “Dancing in Unison?” *Finance & Development*, Vol. 40, pp. 46–49.
- Caldéron, César, (2003); “Do Free Trade Agreements Enhance the Transmission of Shocks Across Countries?” Working Paper No. 213 (Santiago: Central Bank of Chile).
- Clark, Todd E., and Eric van Wincoop, (2001); “Borders and Business Cycles,” *Journal of International Economics*, Vol. 55, pp. 59–85.
- Frankel, Jeffrey A., and Andrew K. Rose, (1998); “The Endogeneity of the Optimum Currency Area Criteria,” *Economic Journal*, Vol. 108, pp. 1009–25.
- Heathcote, Jonathan, and Fabrizio Perri (2003); “Why Has the U.S. Economy Become Less Correlated with the Rest of the World?” *American Economic Review Papers and Proceedings*, Vol. 93, pp. 63–69.
- Helbling, Thomas, and Tamim Bayoumi, (2003); “Are They All in the Same Boat? The 2000–01 Growth Slowdown and the G-7 Business Cycle Linkages,” IMF Working Paper 03/46.
- Hodrick, R.j. and Prescott, EC (1997); Postwar U.S Business Cycle: An Empirical Investigation. *Journal of Money, Credit and Banking*, Vol. 29, pp:1-14
- Imbs, Jean (2004b), “Trade, Finance, Specialization and Synchronization,” *Review of Economics and Statistics*, forthcoming.
- Imbs, Jean, (2004a); “Real Effects of Financial Integration,” Working Paper (London: London Business School).
- Kose and Yi, Kose, M. Ayhan, and Kei-Mu Yi, (2001); “International Trade and Business Cycles: Is Vertical Specialization the Missing Link?” *American Economic Review Papers and Proceedings*, Vol. 91, pp. 371–75.
- Kose, Ayhan (2004); Globalization and Synchronization of Business Cycles, IMF, Working Paper.
- Kose, Ayhan (2004); Understanding the Evolution of World Business

- Cycles,” IMF, Working Paper.
- Kose, M. Ayhan, Guy M. Meredith, and Christopher M. Towe, (2004); “How Has NAFTA Affected the Mexican Economy?” *Weltwirtschaftliches Archiv*, forthcoming.
- Kose, M. Ayhan, (2004); “Canada-U.S. Economic Integration: Developments and Prospects,” in Canada—Selected Issues, IMF Staff Country Report (Washington: International Monetary Fund), forthcoming.
- Kose, M. Ayhan, and Kei-Mu Yi, (2001); “The Trade-Comovement Problem in International Macroeconomics,” Federal Reserve Bank of New York Staff Report No. 155 (New York: Federal Reserve Bank of New York).
- Kose, M. Ayhan, Christopher Otrok, and Charles H. Whiteman, (2003); “Understanding the Evolution of World Business Cycles,” IMF Working Paper, forthcoming.
- Kose, M. Ayhan, Eswar S. Prasad, and Marco E. Terrones (2003b); “How Does Globalization Affect the Synchronization of Business Cycles?” *American Economic Review Papers and Proceedings*, Vol. 93, pp. 57–62.
- Kose, M. Ayhan, Eswar S. Prasad, and Marco E. Terrones, (2003^a), “Financial Integration and Macroeconomic Volatility,” *Staffin Papers*, International Monetary Fund, Vol. 50, pp. 119–42.
- Lumsdaine, Robin L., and Eswar S. Prasad, (2003); “Identifying the Common Component in International Economic Fluctuations,” *Economic Journal*, Vol. 113, pp. 101–27.
- Obstfeld, Maurice, and Kenneth Rogoff, (2002); “Global Implications of Self-Oriented National Monetary Rules,” *Quarterly Journal of Economic*.
- Stock, James H., and Mark W. Watson, (2003); “Understanding Changes in International Business Cycles,” NBER Working Paper No. 9859